■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: سید علیرضا شریفی ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

یکشنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۸ | ۱ شعبان ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال نوزدهم - شماره ۵۳۵۲ | استان تهران و البرز ۱۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۵۰۰ تومان | Sunday - 2019 April 7

حدیث روز: تحف‌العقول

رسول اکرم (ص):
از بزرگ‌ترین گناهان زبان، دروغگویی است.

پلک احساس: سعدی

کوه و دریا و درختان همه در تسبیح‌اند
نه همه مستمعی فهم کنند این اسرار

امروز در تاریخ:

- اعدام امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر محمدرضا پهلوی (۱۳۵۸)
- اخراج هزاران ایرانی مقیم عراق توسط رژیم بعث این کشور (۱۳۵۹ ش)
- درگذشت جمشید اسماعیل‌خانی، بازیگر سینما و تلویزیون (۱۳۸۱)
- درگذشت هنری فورد، بنیانگذار شرکت خودروسازی فورد (۱۹۴۷)
- تأسیس سازمان بهداشت جهانی و روز جهانی بهداشت (۱۹۴۸م)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۰۷ | غروب آفتاب: ۱۹/۳۱
اذان مغرب: ۱۹/۴۹ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۲۳
اذان صبح (فردا): ۵/۱۵ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۴۲

پیش‌بینی آب و هوا دوشنبه

تهران	ایلام	ارومیه	بجنورد	ساری	سمنان	سنندج	قزوین
۲۰ / ۱۲	۱۷ / ۵	۱۶ / ۴	۱۳ / ۷	۱۶ / ۱۰	۲۰ / ۱۱	۱۶ / ۵	۱۷ / ۷

حکمت ۱۰۰: نهج‌البلاغه

بار خدایا تو مرا از خودم بهتر می‌شناسی و من خود را بیشتر از آنان می‌شناسم، خدایا مرا از آنچه اینان می‌پندارند، نیکوتر قرار ده و آنچه را که نمی‌دانند بیامرز.

خودنویس

یادداشتی از حامد عسکری
شاعر و نویسنده

درباره آن خانه که گم شد

حتما شما هم دیده‌اید آن ویدئویی را که در کمال حیرت و ناباوری آب خشمگین یك خانه را که لب رودخانه است خاك زیرش را می‌شورد و خانه در تازیانه‌های سیل ناپدید می‌شود. از این خانه‌ها خیلی توی این چند روزه ویران شده و فقط چندتایی‌اش را ما دیده‌ایم. خانه یك مفهومی ورای یك مقدار مشخصی زمین که روی آن بنایی ساخته شده است، دارد. خانه یك مفهوم است که با توجه به اهالی آن یعنی خانواده محتواهایی خلق می‌شود به نام خاطره. بعد از دیدن این ویدئو زیاد به آن خانه که توی آب گم می‌شود فکر می‌کنم. صاحبش احتمالا نمی‌تواند همان‌جا دوباره خانه بسازد. زمینش را آب شسته برده و احتمالا باید اگر زورش برسد یك جایی یك گوشه‌ای از شهر زمینی بخرد و باز اگر زورش برسد خانه‌ای بنا کند و دوباره با اهالی همان خانه اگر زنده باشند شروع کند به زندگی و بالطبع آن تولید خاطره. خیلی حس غریبی است خانه‌ات گم شود. مثلا چند سال دیگر یکی از اهالی این خانه دست نوه‌اش را بگیرد و بیاید لب رود و بگوید اینجا خانه ما بود. دقیقا کجا؟ همین حس را وقتی خانه‌های کلنگی را پیش پای اتوبان‌های شهر قربانی می‌کنند هم دارم. مثلا فکر کن گوشه اتوبان امام علی بزنی کنار، فلاشر بزنی و بغض کنی و بعد نوه‌ات بگوید چی شد؟ بگویی اینجا خانه ما بود! وسط اتوبان... خانه‌هایمان را دوست داشته باشیم. خانه آن چیزی نیست که ماه به ماه بابت سکونت در آن اجاره یا قسط می‌پردازید. خانه مفهومی است ورای یك سند چند اتاق و آشپزخانه و سرویس بهداشتی....

کشور خیابان‌های بی‌نام

خیابان‌های ژاپن نام ندارند و سیستم نشانی در ژاپن با آنچه در کشورهای جهان وجود دارد، متفاوت است. آنها به جای نامگذاری خیابان‌ها، روی بلوك‌ها یا مربع‌های مسکونی شماره‌گذاری می‌کنند و به این ترتیب خیابان‌ها بدون نام می‌مانند. مربع مسکونی منطقه‌ای است که با خیابان‌ها احاطه شده است. به گزارش تابناك، کاربری این سیستم به این شکل است که شهر به مربع‌هایی تقسیم و سپس هر مربع و هر ساختمان شماره‌گذاری می‌شود. اگر در جست‌وجوی منطقه‌ای هستید به جای این که عدد خیابان را بپرسید، باید از عدد مربع‌های مسکونی سؤال کنید. رسیدن به مربع مورد نظر کار آسانی نیست، شما یا باید منطقه را خوب بشناسید یا دست‌کم یك نقشه یا جی پی اس داشته باشید. خوشبختانه در شهرهای ژاپن نقشه‌هایی در مناطق اصلی مثل ایستگاه‌های قطار و اتوبوس وجود دارد که می‌توانید با استفاده از آن، مکان مربع مقصد و مبدأ را مشخص کنید. به همین دلیل در نشانی‌های پستی ژاپن نام خیابان وجود ندارد، بلکه اسم شهر، شماره منطقه، بلوك و ساختمان به چشم می‌خورد.

سلفی گرفتن در فضا

فضانوردان برای گرفتن یك عکس سلفی در فضا با چالش‌های زیادی مواجه می‌شوند، اما برخی از آنها با تمام این سختی‌ها تصاویری از خود را هنگام قدم زدن در فضا ثبت کردند. به گزارش فارس، سلفی گرفتن زمان پیاده‌روی فضایی، سخت‌تر از آن چیزی است که فکرش را می‌کنید. برای درك این سختی یك دستکش مخصوص فر بپوشید و سعی کنید با آن سلفی بگیرید. در سلفی‌های منتشر شده از فضانوردان علاوه بر کلاه فضایی آنها می‌توان کره زمین را در پس زمینه مشاهده کرد.

با کمی دقت در عکس می‌توان بازتاب دوربین و دستکش‌های فضانوردان را نیز در شیشه محافظ کلاه دید.

گفت‌وگو با جواد موگویی، مستند ساز اهل لرستان

سیل زدگان هم گاهی لبخند می‌زنند

کافه میرداماد

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

حس غریبی است، وقتی یکی از زیباترین اتفاقات طبیعت به بلا تبدیل می‌شود. باران‌های بی‌وقفه بهاری، رگبارهایی که از آسمان بر زمین خشك می‌بارد اما به جای سیراب‌کردنش، خاك را می‌شوید و با خود می‌برد و بعد تندتر و تندتر می‌شود، نیرویی می‌شود غیر قابل مهار، می‌خروشد و به پیش می‌رود، انگار عجله‌ای شتابناك دارد برای رسیدن به مقصد، چشم‌ها را می‌بندد و فقط می‌رود و در مسیر هر چه در مقابل خود می‌بیند با خود همراه می‌کند. به پشت سرنگاه نمی‌کند که در این خروش چه خرابی‌ها و چه نابودی‌ها به جای گذاشته. سیل فقط می‌رود تا به مقصد برسد به دریایی به دریاچه‌ای به تالابی.... باران می‌بارد بر زمین خشك، بارانی که کارش آبادانی است اما گاهی همین باران زیبا، سیل می‌شود... هر چند باز هم دلمان نمی‌آید نامش را از باران به بلا تغییر دهیم. فقط گاهی باران دوست دارد، سیل آسا ببارد و خروشناك به پیش برود. مایی که عاشق بارانیم آیا نباید خودمان را آماده پذیرایی از مهمانی کنیم که گاهی دوست دارد بی‌دریغ و شتابناك ببارد؟! همین مایی که تا یکی، دو ماه قبل دعای باران می‌خواندیم حالا غافلگیر شده‌ایم از این همه باران. حالا واژه «سیل» و سیلاب برایمان ملموس‌تر شده. حالا باورمان شده که اگر آماده نباشیم، باران ما را با خود خواهد برد... به دریایی به دریاچه‌ای به رودی به تالابی. اگر آماده نباشیم باران سیل‌آسا که دوست دارد زودتر به مقصدش برسد گاهی خانه و زندگیمان را هم با خود خواهد برد و آن وقت است که ما می‌مانیم و زندگی به گِل نشسته. اما با همه اینها باران که همیشه رحمت است، بلا نمی‌شود اگر ما آماده دریافت رحمت باشیم و این رحمت را کشاورز سیل‌زده خوزستانی که ویدئویش چند روز اخیر دست به دست چرخید چه زیبا گفت، همان کشاورزی که همه زندگی‌اش را سیل برده بود اما گفت که خدا را شکر، زمین‌هایمان آباد شد...

این پلدختری‌های دوست‌داشتنی

باران‌های سیل‌آسای بهاری از شمال کشور شروع شد بعد هوس جنوب کرد و بعد به جنوب غربی متمایل شد. در شیراز زیبا، چنان بارید که دروازه شهر را با خود برد و سعدی را غافلگیر کرد. اما مردم شیراز با سیل و خرابی‌ها و جان‌هایی که گرفت و با خود برد، مهربانانه تا کردند، چنان‌که شاید دیگر نخواهد از شهر آنها و آب رکن‌آباد با شتاب رد شود و همه چیز را بشوید و ببرد. حالا شاید سیل از شیراز با صبر رد شود و بگذارد این شهر همچنان آباد بماند. باران‌های سیل‌آسای بهاری اما بی‌محابا بر سر پلدختری‌ها بارید، چنان پرهیجان که مردم این شهر و بخش شرقی شهر باورشان نمی‌شد. شاید باور کرده بودند باران دیگر نخواهد بارید و جنگ بعدی جنگ آب خواهد بود. اما خدا از آسمان بارانی فرود آورد که همه را غافلگیر کرد و پیام آورد که همیشه آماده دریافت رحمت الهی باشید! جواد موگویی مستندساز و فعال رسانه که اصالتا اهل دورود لرستان است و روزی که سیل به پلدختر رسید در دورود بود، گفته مرا تایید می‌کند که مردم هم غافلگیر شدند و هم گوش ندادند به هشدار مسؤولانی که از چند روز قبل و در روز سیل گفته بودند خانه‌ها را تخلیه کرده و به جای امن بروند. آنها آن قدر نرفتند که سیل آمد و گِل‌هایی که با خود آورده بود همه خانه‌ها را پر و زندگی آنها را راکد کرد. اما به گفته موگویی خدا را شکر در این سیل عظیم که همه خیابان‌ها، کوچه‌ها و خانه‌ها را در خود فرو برد، کسی جانش را از دست نداد. مردم جانشان را برداشتند و به بلندی‌ها و به پشت‌بام خانه‌ها بردند و زنده ماندند و با چشم خود دیدند که زندگیشان چگونه در گل فرو رفت.

فقر را آب برد

مردم بخش شرقی پلدختر که یکی، دو روزی در محاصره آب مانده بودند و هیچ راهی برای دسترسی به آنها نبود، حال و روز خوبی ندارند. موگویی از اولین کسانی است که خود را به پلدختر رسانده و از همان روزی که توانسته به اینترنت وصل شود و اتفاقات این شهر را در صفحه اینستاگرامش منتشر می‌کند، می‌گوید: مردم پلدختر فقیر هستند. وسایل خانه بیشتر مردم شهر حتی یك نیسان هم نمی‌شود، حالا تصور کنید که همان را هم از دست داده‌اند. همه چیز در گل فرو رفته. مردم همان وسیله‌ها را بیرون می‌کشند تا گل‌ها را بشویند و پاك کنند شاید که دوباره بتوانند از آنها استفاده کنند اما آب شهر هنوز وصل نشده و به مردم با تانکر آب می‌رسانند و آب معدنی به وفور یافت می‌شود. مردم بهت‌زده هستند. خیلی‌ها حالشان خوب نیست. حال روحی‌شان خوب نیست. با این زندگی به گل نشسته چه باید بکنند.

موگویی می‌گوید: ارتش از روز اولی که پلدختر را سیل محاصره کرد، وارد عمل شد. خیلی خوب کار کرد. مهندسان ارتش و بقیه نیروها سنگ تمام گذاشتند برای نجات مردم گرفتار. الان هم در شهر هستند. نیروهای بسیجی و سپاهی هم آمده‌اند. جهادی‌ها هم رسیده‌اند و کنار مردم هستند، هر کاری از دستشان برمی‌آید انجام می‌دهند. روزهای اول، هلال احمر نتوانست تقسیم کمك‌ها را مدیریت کند، اما روزهای بعد اوضاع خیلی بهتر شد. این را هم بگویم که چند کامیون از کمك‌های هلال احمر را همان روز اول غارت کردند؛ بومی‌ها نبودند، به نظر می‌رسد بیشتر مردمی بودند که از اطراف آمده بودند برای غارت. اتفاقی که در بم و کرمانشاه هم افتاد! اما مردم پلدختر همه چیزشان را از دست داده‌اند و مردم باید خیلی همراه باشند تا این مردم نازنین بتوانند دوباره زندگی را بسازند.

شاید که خیریتی باشد

باران که بلا نمی‌شود اگر آدم‌ها آماده باشند. اگر زیرساخت‌ها درست باشد و اگر مردم ماجراجویی را کنار بگذارند و به سیل خیره نشوند و با آن عکس یادگاری نگیرند. سیل شتابناك می‌آید و در مسیرش هر چه هست با خود می‌برد. موگویی می‌گوید: سیل مثل زلزله نیست که چند ثانیه‌ای بیاید و تمام شود. سیل می‌آید و چند روزی می‌ماند و نمی‌گذارد هیچ کاری برای گرفتارها بکنی. سیل برای مردم کشور ما پدیده‌ای تازه است. مردم ما تاکنون با چنین سیل‌های عظیمی روبه‌رو نشده بودند و نمی‌دانستند که سیل با کسی شوخی ندارد. حالا کمی یاد گرفته‌ایم که با این پدیده چه جور تا بکنیم. مردم سیل‌زده به کمك نیاز دارند. هر کسی در حد توانش باید کمك کند. نه این‌که مثل زلزله کرمانشاه خودشان راه بیفتند بیایند پلدختر که این شهر کوچك اصلا جا ندارد برای آدم‌هایی که کمك‌رسانی حرفه‌ای را بلد نیستند. مردم کمك‌هایشان را به مراکزی که برای این کمك درنظر گرفته شده، بدهند تا با برنامه‌ریزی و درست به دست مردم سیل‌زده برسد. امیدواریم پلدختر بهتر از گذشته ساخته شود و زمین‌های این منطقه محروم آنقدر حاصلخیز شود که مردمش را از فقر نجات دهد.

ماجرای یك عکس

از روز جمعه سرعت اینترنت در منطقه خوب شد. روزهای اول اصلا وصل نبود و من برای ارسال عکس‌هایم هر جور بود خودم را به جایی می‌رساندم که اینترنت جواب بدهد هر چند بسیار ضعیف. تلفن شهری هنوز وصل نشده اما موبایل‌ها از روز جمعه خوب خط می‌دهد. زیرساخت‌ها در بخش شرقی شهر از بین رفته و تا بیاید درست شود زمان می‌برد. عکس‌های موگویی در شبکه‌های اجتماعی زیاد چرخید. یك عکس او بیشتر از بقیه سر و صدا به پا کرد. دیروز هم چند روزنامه به عنوان عکس روی جلد از آن استفاده کردند. همان عکسی که چهار زن و مرد را نشان می‌دهد که در حیاط گل‌آلود خانه دارند می‌خندند و یك بسیجی هم در کادر عکس هست که پشت به دوربین است. تهمینه میلانی این عکس را در اینستاگرامش منتشر کرد البته عکس را کادربندی کرد و نوشت که کار مردم پل دختر از گریه گذشته و آنها می‌خندند.... موگویی از سانسور عکس گلایه‌مند است و می‌گوید: نمی‌دانم چرا خانم میلانی این کار را کرده. ماجرای عکس این است که وقتی اهالی خانه دیدند که می‌خواهم از آنها عکس بگیرم، یکی از خانم‌ها گفت: «بگذار ژست بگیریم، برادرش گفت با این همه بدبختی چه وقت ژست گرفتنه! بسیجی که داشت به آنها کمك می‌کرد گفت: مگر ما مُرده‌ایم که شما بدبخت باشید...» همه خندیدند و من عکس را گرفتم حالا نمی‌دانم چرا باید بسیجی داخل عکس کادره شود؟ همه دارند برای کمك به مردم پلدختر زحمت می‌کشند. حال روحی مردم خوب نیست اما چنین هم نیست که آنها نخندند...

عکس: چاوش هماوندی / جام جم

رشته کوه‌های البرز و پل طبیعت در یک قاب - تهران

مقطع حساس کنونی

داستان دختر هشتگ‌دار سرچهارراه

(قسمت دوم)

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

[دیروز قسمت اول این داستان را خواندید و حالا ادامه داستان]

فردا صبح دختر برای بار سوم به سر چهارراه رفت و رأس ساعت ۹ خود را روی زمین انداخت و وانمود کرد بیهوش شده است. افسر پلیس راهور بار دیگر بالای سر او رفت و با پا به او زد تا از جا بلند شود. دختر وانمود کرد به هوش آمده است. افسر پلیس راهور به دختر گفت: داستان چیه؟ دوربین مخفیه؟ چهارشنبه‌های سفیده؟ برای چی هر روز به اینجا میایی و مثلا بیهوش می‌شوی؟

دختر گفت: برای انجام فرامین والدین. از جا بلند شد و به خانه برگشت و ماجرا را برای مادرش تعریف کرد. مادر گفت: خب. فردا صبح نیز همین عمل را برای آخرین بار اجرا کن. فردا صبح دختر برای بار چهارم به سر چهارراه رفت، اما پیش از آن‌که خود را روی زمین بیندازد، افسر پلیس نزدیك او رفت و گفت: اگر امروز هم خودت را زمین بیندازی به گشت نیروی انتظامی بی‌سیم می‌زنم بیایند بگیرندت.

دختر گفت: باشه و به خانه برگشت و ماجرا را برای مادرش تعریف کرد.

مادر گفت: خب. حالا بیا بنشین تا علت این اتفاقات را برایت بگویم. اینستاگرام مثل همین اتفاق است. ممکن است ابتدای امر همه به تو توجه کنند و برای دیگران جالب باشی، اما در ادامه برای همه عادی می‌شوی و دیگر برای کسی مهم نیستی...

در این هنگام یکی از دوستان دختر از راه رسید و زنگ در را زد و وارد خانه شد و پس از سلام و احوالپرسی رو به دختر کرد و گفت: اینستاگرام را دیده‌ای؟ دختر گفت: نه. دوست دختر اینستاگرام را باز کرد و ویدئوی بیهوش شدن دختر که توسط یك رهگذر ضبط و با هشتگ # دختر_سرچهارراه در اینستاگرام داغ شده بود و بیش از سیصدهزار بازدید خورده بود را به دختر و مادرش نشان داد.

مادر گفت: ای بابا، چی می‌خواستیم و چی شد و به خوبی فهمید دوره زمانه عوض شده و هیچ معلوم نیست کلا چه جوری است و آخرش چه می‌شود. پس رو به دختر کرد و گفت: اقلا آگهی هم بگیر که چهار قران هم به اقتصاد خانواده کمك کرده باشی. دختر گفت: باشه و پیجش را که پرایوت بود به حالت عمومی درآورد و در بیو نوشت: یك آبان ماهی عاشق، چهارراه واقعی شمایید، دایرکت ممنوع و خاموش شد.

جوانسازی مغز امکان‌پذیر شد

محققان دانشگاه استنفورد برای نخستین بار موفق به ساخت آنتی‌بادی‌هایی شدند که استفاده از آنها در مغز موش‌ها به جوان‌تر شدن مغز موش‌ها منجر شده است.

به گزارش فارس، به گفته دانشمندان، این آنتی‌بادی‌ها با استفاده از یك ژن خاص تزریق شده که حاوی پروتئین‌هایی به منظور کاهش توانایی شناختی افراد در گذر زمان و ورود به دوره میانسالی و سالمندی است.

محققان این پژوهش توانستند عملکرد شناختی موش‌های مسن‌تر را پس از مسدود کردن فعالیت سلول‌های مرتبط به این موضوع بهبود دهند.

در این تحقیق دانشمندان موفق به کشف یك ژن که مسؤول تخریب توانایی شناختی مرتبط با سن است، شده‌اند و با استفاده از آنتی‌بادی‌ها به جوانسازی و شادابی مغز کمك کرده‌اند.

مودب‌ترین و بی‌ادب‌ترین گردشگران

کارشناسان سرویس آنلاین جست‌وجو و رزرو بلیت‌های هوایی و قطار، بی‌ادب‌ترین و باادب‌ترین گردشگران جهان را معرفی کردند. به گزارش اسپوتنیك، بی‌ادب‌ترین گردشگران، روس‌ها، چینی‌ها و آمریکایی‌ها هستند. نه‌تنها خارجی‌ها، بلکه خود روس‌ها هم معتقدند گردشگران روس بی‌ادبند. مشخص شد روس‌ها با عادت‌های خود مانند پریدن در استخر، پخش کردن شن‌های ساحل به اطراف و چینی‌ها به خاطر بلند حرف زدن و حرکت کردن آهسته‌شان باعث آزار خارجی‌ها می‌شوند. مودب‌ترین‌ها هم ژاپنی‌ها، آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها هستند.